روزنامه شرق

فرهنگ‌ایرانی . علم

تشکیل کمیته‌های مشترک — صفحه ۸

عمل بینی، شایع‌ترین جراحی زیبایی در ایران — صفحه ۹

اجرت ساخت طلا چطور محاسبه می‌شود؟ — صفحه ۱۰

عکس: مهدی حسنی، شرق

گفت‌وگوی «شرق» با محمود مهرمحمدی، سرپرست دانشگاه فرهنگیان درباره کارنامه مدارس غیرانتفاعی:

رقابت، شاه‌کلید ارتقای کیفیت در مدرسه است

نگار حسینی

هنگامی که در اوایل دهه ۷۰، مدارس غیرانتفاعی جدید برای نخستین‌بار در ایران تاسیس شدند، فلسفه این اقدام از اساس کوچک‌ترکردن آموزش‌وپرورش و سپردن بخشی از آن به بخش خصوصی بود. حالا با گذشت حدود سه‌دهه از این اقدام، زمان آن رسیده است که برای ارتقای کیفیت آموزش در ایران، رقابت میان خود این مدارس خصوصی ایجاد شود. در حال حاضر ۹۶درصد بودجه عمومی وزارت آموزش‌وپرورش به حقوق معلمان اختصاص می‌یابد. با خصوصی‌شدن بحث آموزش این بودجه را می‌توان در بخش پژوهش هزینه کرد. سپردن آموزش‌وپرورش به‌تمامی به بخش خصوصی، موضوعی است که به‌تازگی در ایران مطرح شده است. «محمود مهرمحمدی»، استاد تعلیم‌وتربیت دانشگاه تربیت‌مدرس که خود «استقرار پارادایم یا رویکرد رقابتی در ارتباط با مدیریت آموزش‌وپرورش» را مطرح کرده، معتقد است که به‌طور کلی عرضه خدمات آموزشی مانند هر خدمت اجتماعی دیگر توسط نهاد اجتماعی مدرسه باید در بستری آمیخته با رقابت انجام پذیرد و درواقع رقابت، شاه‌کلید ارتقای کیفیت در مدرسه است. با مهرمحمدی در مورد رقابت در عرصه آموزش‌وپرورش و مدارس غیرانتفاعی گفت‌وگو کرده‌ایم.

عقیده شما به‌عنوان یک کارشناس آموزش در مورد مقوله مدرسه غیرانتفاعی چیست؟ آیا مدارس غیرانتفاعی توانسته‌اند با فلسفه‌ای که اساس شکل‌گیری آنها بوده است، به‌کار خود ادامه دهند؟ مقصودم این است که آیا عملکرد آنها با آنچه برای آن تشکیل شده بودند، همخوانی دارد؟

من اساسا تصور می‌کنم به‌طور کلی عرضه خدمات آموزشی مانند هر خدمت اجتماعی دیگر توسط نهاد اجتماعی مدرسه باید در بستری آمیخته با رقابت انجام پذیرد. این درواقع استقرار پارادایم یا رویکرد رقابتی در ارتباط با مدیریت آموزش‌وپرورش است. این رویکرد البته اصولی دارد که باید در رسیدن به آن مورد توجه قرار گیرند. نخستین مورد این اصول، رقابت است. رقابت، شاه‌کلید ارتقای کیفیت در مدرسه است. این عامل موجد تلاش مستمر همه کنشوران برای دستیابی به تعالی و زداینده روح رخوت و بلیه روزمرگی است. در نظام آمیخته با رقابت، پیشروها در عرصه ارایه خدمات آموزشی و تربیتی می‌مانند و پس‌روندگان و درجازنندگان از هستی ساقط می‌شوند. پس رقابت در این چارچوب تشریفاتی نیست و واقعی و حتی بی‌رحمانه است. این نوع رقابت در پارادایم مدرسه دولتی نمی‌تواند بیفتد. لاجرم باید مدرسه‌داری را امری غیرحاکمیتی و در بخش خصوصی و عمومی جانمایی کرد.

به گمانم این موضوع، رقابت‌محور شدن در عرصه آموزش‌وپرورش از آنجا که بحث تازه‌ای است، لازم است بیشتر در مورد آن توضیح داده شود. آیا این رقابتی که شما به آن اشاره می‌کنید، مشابه رقابتی است که در سطح کلاس‌های درس جریان دارد؟

هنگامی که از آموزش‌وپرورش رقابت‌محور صحبت می‌شود تصور می‌شود این رقابت یک رقابت کور و بی‌جهت است و در سطح کلاس درس رواج داده می‌شود حال آنکه هیچ‌یک از اینها نیست. همگان آثار سوء رقابت را می‌دانند من هم ابدا آن مدل رقابت را ترویج نمی‌کنم بلکه منظورم رقابتی جهت‌دار و هدفمند در سطح کلان و برای ارایه خدمات آموزشی با کیفیت بهتر است. یک چنین رقابتی شرط بقای مدارس خواهد بود. به این معنا که مدرسه‌ای که برنامه‌های بهتری ارایه کند، باید قدرت ماندگاری داشته باشد. بنابراین اگر مدارس نمی‌توانند خواسته‌های والدین را ارضا کنند، مثل هر پدیده اجتماعی دیگری تقاضا برای آنها کم می‌شود و از عرصه رقابت خارج می‌شوند.

فرض کنیم که این شیوه از رقابت و غیردولتی شدن در مدارس ایران امکان ایجادشدن داشته باشد، در این صورت عملکرد این مدارس چگونه ممکن است مورد داوری قرار گیرد و اساسا معیارهای این داوری چه چیزهایی ممکن است باشند؟

قضاوت نهایی درباره کیفیت مدرسه توسط دانش‌آموز و والدین او اتفاق می‌افتد. والدین برپایه قضاوت خود نسبت به کیفیت آموزشی و تربیت مدرسه دست به انتخاب مدرسه می‌زنند (با توجه کم یا بیش به نظر دانش‌آموز) و به این ترتیب حق حاکمیت تربیتی خود را محقق می‌کنند. در این زمینه ابهامات و اشکالاتی ممکن است به ذهن خطور کند. مهم‌ترین آنها اینکه آیا والدین براساس ملاک‌های صحیح داوری می‌کنند یا بر مبنای ملاک‌های کاذب؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که حاکمیت موظف است برای بالابردن سطح دانش و بینش تربیتی والدین از هیچ کوششی فروگذار نکند. اما این حق مسلم را نمی‌تواند از آنان سلب کند. در بند بعدی نیز پاره‌ای از نگرانی‌های مربوط به این بند از حیث دامنه مانوری که مدرسه دارد و در آن چارچوب باید به جلب نظر متقاضیان بپردازد برطرف می‌شود. نتیجه‌ای که از این بند حاصل می‌شود استقرار نظام توزیع تقاضامحور منابع دولتی (استفاده از پته‌ها یا بن‌های آموزشی) نیز هست. من درباره تعیین ارزش پته‌ها هم قایل به اعمال ضرایبی هستم که با دهک اقتصادی خانواده نسبت معکوس دارد.

و در نهایت نقش وزارت آموزش‌وپرورش در این میان چیست؟ آیا رسالت وزارت آموزش‌وپرورش با این راهبرد نادیده گرفته نمی‌شود؟

وزارت آموزش‌وپرورش برای مدرسه‌داری بر اساس سیستم رقابتی حکم ریل‌گذار را دارد. به عبارت دیگر مدرسه بر مبنای سیاست‌های نماینده حاکمیت حرکت می‌کند و نظارت بر عملکرد برای اطمینان از التزام به سیاست‌ها نیز از وظایف حاکمیتی است که توسط نماینده آن، وزارت آموزش‌وپرورش، به انجام می‌رسد. طبیعتا سازوکارهای نظارتی بسیار دقیقی باید طراحی شود تا خطاها و خلاف‌ها به حداقل رسیده و البته نفس کنشگران را نیز از سوی دیگر در سینه حبس نکند.

> **عامل اصلی تحقق کیفیت برتر معلمان هستند. به عبارت دیگر مزیت رقابتی هر مدرسه یا برگ برنده آن در درجه اول معلمان آن هستند. بنابراین در سیستم رقابتی باید برای معلمان، همانند مدرسه، قایل به حضور در چرخه رقابت دایم و واقعی بود. یعنی پذیرش این معنا که برای بقا در این حرفه باید ارتقای سطح شایستگی‌های حرفه‌ای را نصب‌العین قرار داد**

در چنین راهبردی و البته به‌طور کلی در فضای رقابتی مدارس، مهم‌ترین عاملی که می‌تواند تقاضا را برای یک فضای آموزشی بیشتر کند، چه می‌تواند باشد؟

عامل اصلی تحقق کیفیت برتر معلمان هستند. به عبارت دیگر مزیت رقابتی هر مدرسه یا برگ برنده آن در درجه اول معلمان آن هستند. بنابراین در سیستم رقابتی باید برای معلمان، همانند مدرسه، قایل به حضور در چرخه رقابت دایم و واقعی بود. یعنی پذیرش این معنا که برای بقا در این حرفه باید ارتقای سطح شایستگی‌های حرفه‌ای را نصب‌العین قرار داد و نه‌تنها هیچ فرصتی را از کف نداد، بلکه فعالانه به‌دنبال کشف و خلق فرصت نیز بود. در این سیستم معلم به‌عنوان مهم‌ترین و تاثیرگذارترین کنشگر عرصه تعلیم و تربیت باید دریابد که تلاش در زمینه بالا بردن سطح مزیت‌های حرفه‌ای امری جدی است و اگر کم بگذارد، به اصطلاح کم می‌آورد (فرصت‌های شغلی را از دست می‌دهد و بهترها جای او را می‌گیرند). در این سیستم استخدام دولتی معلم بی‌معنا می‌شود و نظام‌های تامین اجتماعی پشتیبانی از دارندگان گواهینامه صلاحیت معلمی را برای دوران تعریف شده بیکاری برعهده خواهند داشت.

به اعتقاد شما با سیستم فعلی می‌توان این شیوه رقابت را در عرصه آموزش‌وپرورش عملی کرد؟

برای عملی‌شدن رقابت، انعطاف در برنامه‌های درسی ضروری است. مدرسه امکان بالقوه مانور و به کار بستن ابتکارات آموزشی و تربیتی داشته باشد. از برنامه درسی صددرصد تجویزی چنین امکانی برنمی‌خیزد. به دیگر سخن مساله آزادسازی معقول برنامه درسی و خروج آن از وضعیتی که اصطلاحا به آن مقاوم در برابر معلم گفته می‌شود از لوازم قطعی این سیستم است. در سند تحول، الگویی برای برنامه درسی ارایه شده که در پسته‌های پیشین متعرض آن شده‌ام. آن الگو می‌تواند تامین‌کننده این مقصود باشد چراکه دارای بخش‌های سه‌گانه تجویزی، نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی است.

در نهایت به اعتقاد شما آیا زیرساخت‌ها برای رسیدن به این فضای رقابتی در آموزش‌وپرورش در حال حاضر در ایران مهیا هست یا خیر؟

کار دشوار است. اما می‌توان این رویکرد را پذیرفت و به‌تدریج به سمت آن حرکت کرد. زیرساخت در درجه نخست، تفکر تازه نسبت به آموزش‌وپرورش است. من فکر می‌کنم تفکر در آموزش‌وپرورش یا بسیار سنتی است یا بسیار آرمانگرایانه. نمایندگان تفکر سنتی تصور می‌کنند با همین نگاه سنتی می‌توان پیش رفت و نمایندگان تفکر آرمانگرایانه تحول در آموزش‌وپرورش را منوط به تحولات کلان در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و... می‌دانند. من اتفاقا فکر می‌کنم نه آن نگاه سنتی کارکردی است و نه اینکه آموزش‌وپرورش به شکل سنتی و روزمره اداره شود و آرامش محیط‌های آموزشی در همین حد موجود حفظ شود. دیدگاه آن عده‌ای که به تغییر و تحول در عرصه آموزش‌وپرورش در نتیجه تحولات کلان معتقدند، در عمل به پاک‌کردن صورت مساله خواهد انجامید. اما موردی که من مطرح کرده‌ام، راهبردی است که می‌تواند بدون وابستگی به تغییر و تحولات بنیادین، امید تحول و ارتقای آموزش‌وپرورش را زنده کند. در عین حال مقصودم این است که این راهبرد رقابت‌محور کردن در عرصه ارایه خدمات آموزش‌وپرورش است که البته زیرساخت‌ها برای رسیدن به آن فراهم نیست. این راهبرد، خود معرف یک پارادایم دیگر است که در درجه نخست باید بین سیاستگذاران و مدیران عالی این حوزه نگرش مطابق با این راهبرد به وجود بیاید. این مهم‌ترین عامل زیرساخت است که موجود نیست و البته مشخص نیست چه اندازه زمان لازم است تا مهیا شود. ولی در عین حال اجرای آن نیازمند مقدمات اجرایی دیگر نیست. یعنی آموزش‌وپرورش می‌تواند راسا کار ساماندهی مدارس را بر عهده بگیرد و از این نظر مشکلی نخواهیم داشت.

البته شما اشاره کردید آن چیزی که ما هم‌اکنون به‌عنوان رقابت در مدارس غیرانتفاعی با آن مواجه هستیم با راهبری‌ای که شما در سطح کلان مطرح و به آن اشاره کرده‌اید، متفاوت است. اما می‌خواهم بپرسم آیا در حال حاضر به اعتقاد شما استخدام معلمان در مدارس غیرانتفاعی ایران، بر اساس کارایی و توانایی هست یا خیر؟

اگر جز این باشد مدرسه آسیب می‌بیند. عقل سلیم در بخش خصوصی چنین چیزی را اقتضا می‌کند. اگر ملاک‌های دیگری برای جذب معلمان در میان باشد والدین نسبت به مجموعه بدبین می‌شوند.

با توجه به گفته‌های شما آیا مدارس غیرانتفاعی موجود در ایران توانسته‌اند این شکل فضای رقابتی را ایجاد کنند یا خیر؟

بالاخره میان خودشان رقابت برقرار است. بعضا شاهد تلاش‌های نوآورانه برای ترویج برند خودشان نیز بوده‌ایم. البته در این اواخر مدارس شهریه‌ای دولتی زیادی هم تاسیس شده‌اند که موجب گسترده‌شدن سطح رقابت گرچه به شکل غیرمنطقی و غیرمتعارف شده است (مانند افزایش چشمگیر مدارس تیزهوشان). شاید به همین دلیل هم شاهد تعطیل‌شدن تعداد قابل توجهی از مدارس غیردولتی در سال‌های اخیر بوده‌ایم.

آسیب‌شناسی مدارس غیرانتفاعی

عبدالله علی اسماعیلی*

طبق اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت موظف است وسایل آموزش‌وپرورش را رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. اما مدارس خصوصی در هر کشور، یکی از نمودهای دموکراسی و آزادی است. زیرا عده‌ای از مردم در هر جامعه‌ای ممکن است ترجیح دهند به آموزش‌وپرورش به‌عنوان یک کالای تجملی نگاه کرده و به صرف هزینه بالا برای تربیت فرزندان خود مباهات کنند. در کشورهایی که از فلسفه‌های غیرپراگماتیستی برخوردارند -از جمله ایران و بسیاری از کشورهای عربی- این پدیده کمی پررنگ‌تر به نظر می‌آید. مدارس خصوصی حتی در کشورهایی که دارای نظام‌های بسیار پیشرفته آموزش‌وپرورش هستند مانند انگلستان (که در سال‌های اخیر با توجه به افت شدیدی که کرده است به رده ششم رده‌بندی جهانی رسیده است) یا ایالات متحده هم متداول است. برای مثال هفت‌درصد از دانش‌آموزان بریتانیایی در مدارس خصوصی درس می‌خوانند. اما از دیدگاه دولت، تاریخچه و فلسفه تاسیس مدارس غیرانتفاعی مربوط به اواخر دهه ۱۳۶۰ می‌شود که همزمان با رسیدن موج افزایش جمعیت نیم دهه اول انقلاب اسلامی به سن مدرسه، نظام آموزش‌وپرورش ایران شاهد سیل گروه سنی لازم‌التعلیمی بود که برنامه‌ریزی آموزشی متناسب با آن در کشور نشده بود. مدارس با تشکیل چند شیفت کلاس‌های درس به‌ویژه در شهرهای بزرگ از جمله تهران به سختی توان پاسخگویی به این گروه سنی را داشتند. شاید بهترین تصمیم برای کاهش بار مالی کمرشکن جمعیت دانش‌آموزی در آن زمان، تصویب تشکیل مدارس غیرانتفاعی بود. عنوان غیرانتفاعی حکایت از مدارسی داشت که از دولت هیچ انتفاعی نمی‌گرفتند. ایهامی که در این نام بود موجب می‌شد مردم تصور کنند که این مدارس هستند که به‌صورت غیرانتفاعی کار می‌کنند و سودی عاید صاحبان آنها نمی‌شود. در عین حال عبارت غیرانتفاعی نام مدارس خصوصی و ملی رژیم گذشته که پس از انقلاب به‌عنوان یکی از مظاهر سرمایه‌داری شاهنشاهی تقبیح می‌شد را هم در اذهان عمومی تداعی نمی‌کرد. حضور مدارس غیرانتفاعی در کنار مدارس دولتی موجب می‌شد که اصل سی‌ام قانون اساسی نیز به قوت خود قابل اجرا و دفاع باشد. پس از گذر موج جمعیتی نیم‌دهه اول انقلاب، فشار جمعیت ۱۵ تا حدود ۱۹ میلیونی دانش‌آموزی رو به افول گذاشت، اما مدارس غیرانتفاعی به قوت خود باقی ماندند. به نظر می‌رسید پس از عبور دولت از بحران جمعیت دانش‌آموزی وقت آن باشد که هم مدارس دولتی و هم مدارس غیرانتفاعی در وضعیت خود بازبینی کنند، اما متاسفانه این اتفاق رخ نداد. بازبینی‌های ضروری مدارس غیرانتفاعی در سطور بعدی تحلیل می‌شود. نخستین ایرادی که باید دولت در پی برطرف‌کردن آن باشد، موضوع نظارت بر عملکرد مالی مدارس غیرانتفاعی است. اگرچه وزارت آموزش‌وپرورش برای شهریه مدارس غیرانتفاعی چارچوبی مشخص کرده است اما آنچه در واقعیت شاهد هستیم، بسیار متنوع و متفاوت با چارچوب تعیین‌شده از سوی وزارتخانه است. مدارس غیرانتفاعی در شهرهای کوچک با شهریه‌ای چندصدهزارتومانی در مقابل مدارس شهرهای بزرگ -به‌ویژه مناطق مرفه تهران- با شهریه چندمیلیونی شکافی را ایجاد کرده است که قابل توجیه نیست. بدیهی است که مدارس هم همه پول‌های خود را تحت نام شهریه از والدین دریافت نمی‌کنند اما به‌هرحال پولی است که گرفته می‌شود. اما نفس دریافت وجه، تنها بخش آسیب‌شناسی مدارس غیرانتفاعی نیست. بلکه نحوه هزینه‌کردن این وجوه می‌تواند آسیب اصلی‌تری باشد. سوال این است که وقتی مدرسه‌هایی با تعداد ۵۰۰ دانش‌آموز، شهریه‌ای در حدود هفت‌میلیون‌تومان دریافت می‌کنند، آیا سرانه ۱۰ مترمربع فضا برای هر دانش‌آموز را تامین کرده‌اند؟ آیا آزمایشگاه مدرسه سهمی لااقل پنج‌درصدی از بودجه مدرسه را به خود اختصاص داده است؟ آیا حقوق معلمان این مدارس به اندازه حداقل دستمزد تعیین‌شده از سوی وزارت کار هست؟ آیا وسایل تکنولوژی آموزشی در مدرسه به اندازه کافی هست؟ اینها سوالاتی هستند که به‌طور تقریبی از مدیران هرکدام از مدارس غیرانتفاعی پرسیده شود با اقتدار پاسخ‌های مثبت را به‌دنبال دارد. اما آیا بر این پاسخ‌ها نظارتی از سوی وزارتخانه وجود دارد یا خیر؟ برای روشن‌ترشدن عمق ماجرا باید گفت تمام پرسش‌هایی که در چند سطر فوق طرح شد با چشم‌انداز ایرانی پرسیده شده‌اند. حال آنکه مدارس در جهان امروز با آنچه ما به‌عنوان مدرسه آنها را می‌شناسیم تفاوتی از زمین تا آسمان دارند. برای مثال وقتی پرسیده می‌شود که آیا آزمایشگاه در مدرسه پنج‌درصد از بودجه مدرسه را تشکیل می‌دهد منظور همین آزمایشگاهی است که ما تصور می‌کنیم، نه آزمایشگاهی که مدارس ژاپن یا کره به آنها مجهز هستند. حال آنکه با مقایسه شهریه مدارس ایران و دیگر کشورهای جهان -که به راحتی در اینترنت قابل دسترس است- مشاهده می‌شود که شهریه مدارس ایران گاه از مدارس لوکس مالزی -که در حال حاضر جزو پنج نظام برتر جهان است- بیشتر است. آیا روش‌های تدریس معلمان مدارس غیرانتفاعی تفاوتی با سایر مدارس دارد؟ آیا آموزش‌های ویژه‌ای برای آنها در نظر گرفته شده است؟ آیا مدارک تحصیلی مدیران و سایر کارکنان آنها تفاوتی با مدارس معمولی دارد؟ آیا مربی بهداشت، روانشناس، مددکار اجتماعی، یک کارشناس مامایی (برای مدارس دخترانه)، یک کارشناس بهداشت دهان و دندان برای دبستان‌ها در چارت سازمانی این مدارس اجباری شده است؟ اگر همه اینها در مدارس غیرانتفاعی واقعا محقق شوند و یک قشر سنی با مجموعه‌ای از سلامت بالاتر پای به عرصه جامعه بگذارند و سود آن در طولانی مدت به همه جامعه برسد، عملکرد مدارس غیرانتفاعی قابل‌دفاع خواهد بود.

* کارشناس تعلیم و تربیت

نکته

نگاهی آماری به مدارس غیرانتفاعی

سال گذشته تعداد دانش‌آموزان مقطع راهنمایی مدارس غیرانتفاعی بیش از ۵۵۱هزارنفر بود که امسال میزان ثبت‌نام‌ها بیش از ۸۶هزارنفر را نشان می‌دهد. این رقم در دبیرستان برای سال تحصیلی امسال حدود ۲۹۰هزار دانش‌آموز است؛ آمار دانش‌آموزان دبیرستانی در سال گذشته حدود ۳۱۳هزارنفر بود.

رییس سازمان مدارس غیردولتی، توسعه و مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش‌وپرورش به ایسنا گفته است که سال گذشته تعداد دانش‌آموزانی که در مدارس غیرانتفاعی تحصیل کرده‌اند، بیش از یک‌میلیون‌و۶۰۰هزارنفر بود و امسال تاکنون بیش از ۹۱۲هزارنفر برای مدارس غیردولتی ثبت‌نام کرده‌اند.

میانگین شهریه ثابت شهر تهران در سال تحصیلی گذشته در دوره ابتدایی یک‌میلیون و ۶۸۲هزار و ۱۷۶ تومان، راهنمایی دومیلیون و ۵۹هزار و ۹۶۹تومان و در مقطع دبیرستان دومیلیون و۷۸۶هزارو۷۱۳تومان بود که بر اساس مصوبه شورای نظارت سازمان مدارس غیردولتی، امسال ۱۵ تا ۲۵درصد به میزان این شهریه‌ها افزوده است. میانگین شهریه مدارس غیردولتی در سایر استان‌ها نیز در مقطع ابتدایی ۵۳۶هزارو۴۶۸تومان، در مقطع راهنمایی ۷۰۸هزارو۵۶۵تومان و مقطع متوسطه ۹۵۰هزارتومان گزارش شده که این رقم‌ها در مناطق و شهرهای مختلف کشور بر اساس امکانات متفاوت بوده است.

البته مسوولان اعلام کرده‌اند که شهریه‌های عنوان‌شده میانگین مبالغی است که در شهر تهران و سایر شهرهای کشور به دست آمده است بنابراین بر اساس وضعیت جغرافیایی و سایر امکانات مدارس، این شهریه‌ها متفاوت است و نیز این مبالغ تنها شهریه ثابت مدارس غیرانتفاعی است و بر اساس مصوبه شورای نظارت، امسال بین ۱۵ تا ۲۵درصد به میزان شهریه‌های ثابت مدارس غیرانتفاعی اضافه شده است.

با همه این حرف‌ها، نحوه دریافت شهریه و میزان آن همگی بستگی به دیدگاه مدیران مدارس غیرانتفاعی دارد، که با توجه به تورم هرروز هم بالاتر می‌رود. بر اساس آمارها، نرخ دریافتی در برخی از مدارس غیرانتفاعی تهران تا مرز ۱۰میلیون‌تومان هم در برخی مقاطع می‌رسد. در مقایسه با شهریه‌های دانشگاه آزاد، شهریه برخی از مدارس غیرانتفاعی از هزینه دریافت لیسانس در چهارسال این دانشگاه در برخی رشته‌ها نیز بیشتر است، اما تفاوت این است که این هزینه‌ها فقط در یک‌سال و حتی در بعضی مدارس در مقاطع ابتدایی بابت شهریه از دانش‌آموزان دریافت می‌شود. وقتی از مدیران امر درباره دریافت هزینه‌های هنگفت این مدارس سوال می‌شود، همگی اجرای طرح‌های «فوق برنامه» را از علل زیاد بودن میزان شهریه دانش‌آموزان معرفی می‌کنند.

برخی از منتقدان یکی دیگر از مشکلات مدارس غیرانتفاعی را تامین‌نبودن معلمان این مدارس عنوان کرده‌اند. نداشتن آینده شغلی مناسب یکی از دغدغه‌های برخی از معلمان این مدارس است. منتقدان می‌گویند که از آنجا که مدارس غیرانتفاعی به‌صورت خصوصی اداره می‌شود، بیشتر سلیقه بر آن حاکم است تا اجرای قوانین و بنابراین به این مدارس بیشتر تجاری نگاه می‌شود تا آموزشی‌وپرورشی؛ به همین دلیل، معلمان این قبیل مدارس با کمترین حقوق و گاهی بدون قرارداد و بی‌آنکه سابقه‌ای برای آنها لحاظ شود و از مزایای بیمه و بازنشستگی برخوردار باشند، استخدام می‌شوند.

نگاه

سیاستمداران و مدارس غیرانتفاعی

شیرزاد عبداللهی

می‌گویند روزی ملانصرالدین بر مسند قضا نشست. متهم و شاکی را به محکمه آوردند. شاکی با آب‌وتاب داستان شکایتش را شرح داد. ملا که خیلی تحت‌تاثیر قرار گرفته بود، گفت: بنشین حق با شماست و از متهم خواست که از خود دفاع کند. دفاعیات سوزناک متهم، کم مانده بود اشک ملا را جاری کند: بنشین حق با شماست. یکی از تماشاگران که از قضاوت ملا متعجب شده بود برخاست و گفت: چطور ممکن است که همزمان حق با شاکی و متهم باشد؟ ملا لحظه‌ای فکر کرد و گفت: حق با شماست!

در داستان مدارس غیرانتفاعی، پای صحبت هر طرف که می‌نشینی، مصیبت‌نامه سوزناکی می‌خواند و اشک را درمی‌آورد. فرقی نمی‌کند که موسس مدرسه غیرانتفاعی باشد یا اولیای دانش‌آموز یا معلم مدرسه غیرانتفاعی یا کارشناس و مسوول دفتر مشارکت‌های مردمی. موسس یک مدرسه غیرانتفاعی دوره راهنمایی دخترانه منطقه دو تهران با شهریه مصوب دومیلیون‌و۸۰۰ هزارتومان می‌گوید: «با این اوضاع اقتصادی، مدرسه‌داری دیگر صرف نمی‌کند. پول و وقتمان را به هر کاری زده بودیم، از مدرسه‌داری بهتر بود. با این وضع مسکن و اجاره و قیمت آب و برق و کاغذ و مرکب استنسیل و حقوق معلمان و... به‌زودی ورشکست می‌شویم. پارسال شش کلاس داشتیم و امسال به زور تبلیغات توانسته‌ایم چهار کلاس را پر کنیم.»

البته در تهران و شهرهای بزرگ، تعدادی مدرسه که اسمشان سر زبان‌هاست همچنان پرمشتری هستند، اما ۹۰درصد مدارس غیرانتفاعی، سال تحصیلی جدید را با یک‌سوم ظرفیت خالی آغاز می‌کنند. هفته پیش علی‌اصغر فانی سرپرست وزارت آموزش‌وپرورش هم در یک مصاحبه گفت که امسال ۵۰۰هزار صندلی مدارس غیرانتفاعی، خالی مانده است. با این حال هنوز یک میلیون دانش‌آموز در مدارس غیردولتی درس می‌خوانند و تقریبا از هر ۱۳ دانش‌آموز یک نفر در مدرسه غیردولتی تحصیل می‌کند. برخلاف تصور، در میان مشتریان مدارس غیرانتفاعی تعداد پولدارها کم است. اغلب دانش‌آموزان این مدارس بچه‌های کارمندان دولت، معلمان و دیگر اقشار حقوق‌بگیرند. پدر یک دانش‌آموز ساکن منطقه پنج آموزش‌وپرورش تهران می‌گوید: «برای ثبت‌نام پسرم در کلاس سوم دبیرستان یک‌میلیون، نقد داده‌ام و هشت فقره چک ۵۰۰هزارتومانی. تقریبا ۴۰درصد حقوق کارمندی.» از او می‌پرسم چرا فرزندش را به مدرسه دولتی نمی‌فرستد، می‌گوید: «کیفیت کار در مدارس دولتی پایین است.» یک دبیر راهنمایی که همزمان در مدرسه دولتی و غیرانتفاعی کار می‌کند این تفاوت را اینگونه تشریح می‌کند: «تفاوت اصلی مدرسه دولتی و غیرانتفاعی در نوع دانش‌آموزان است. مدارس غیرانتفاعی بچه‌های زرنگ را دست‌چین می‌کنند. البته تعداد دانش‌آموز در کلاس کمتر است و معلم‌ها جدی‌تر کار می‌کنند و وقت دانش‌آموز تلف نمی‌شود.»

با این حال، دبیران و آموزگاران مدارس غیرانتفاعی معتقدند با اینکه زحمت اصلی این مدارس، به دوش معلمان است اما حق‌الزحمه ناچیزی به آنها پرداخت می‌شود. دبیر ریاضی یکی از مدارس معروف غیرانتفاعی می‌گوید: «ما از دانش‌آموزان کار بیشتری می‌کشیم. بچه‌ها هم همراهی می‌کنند و معمولا در کنکور نتیجه هم می‌گیرند، در مدرسه دولتی نه ما انرژی می‌گذاریم و نه بچه‌ها کشش دارند.»

طرف چهارمی که در کار مدارس دخالت می‌کند، معاونت مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش‌وپرورش است که شهریه مدارس غیرانتفاعی را متناسب با فهرست هزینه‌ها و کیفیت برنامه‌های عادی و فوق‌برنامه تعیین می‌کند. شهریه مصوب مدارس برای سال تحصیلی ۹۳-۹۲ رسما از ۱۵ تا ۲۵درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است. برخی از اولیا می‌گویند که تعدادی از مدارس مشهور و پرمشتری، شهریه مصوب را رعایت نمی‌کنند و بدون رسید و مدرک از چندصدهزار تا چندمیلیون‌تومان تحت عناوین پررزق‌وبرق پول می‌گیرند. برنامه رسمی آموزشی و کتاب‌های درسی در مدارس غیرانتفاعی مشابه مدارس دولتی است. اما تفاوت در ساعات بیشتر تدریس و تمرین و انجام آزمون‌های بیشتر و استفاده از دبیران باسوادتر و باتجربه‌تر است. در میان اسامی موسسان مدارس غیرانتفاعی تهران، نام‌های آشنا مانند محمدباقر کنی (مدارس وابسته به دانشگاه امام صادق)، عبدالله جعفرعلی جاسبی، غلامعلی حدادعادل و طیبه ماهرویان همسر حداد (مدارس فرهنگ)، سعید حجاریان (مدارس سلام)، فخرالدین دانش (مدارس مفید)، حسین مظفر و علی‌اصغر فانی (مجتمع جماران) و علی‌اصغر یزدانی را می‌توان دید. محمود فرشیدی هم اداره مجتمع معلم در بلوار دریا، واقع در شهرک غرب را برعهده دارد که گویا صاحب‌امتیاز آن، بنیاد رسالت است.

یک فاکتور مهم در نرخ شهریه مدارس غیرانتفاعی، قیمت زمین و مسکن و نرخ اجاره‌بهاست. به همین دلیل در شهرهای کوچک که قیمت مسکن و اجاره‌بها پایین‌تر است، شهریه مدارس هم به همین نسبت پایین‌تر است. شاید بیش از ۹۰درصد این مدارس، خانه‌ها و آپارتمان‌های مسکونی بوده‌اند که با برداشتن چند تیغه و اندکی حذف و اضافه تبدیل به مدرسه شده‌اند. ساختمان اغلب مدارس غیرانتفاعی، از نظر استحکام سازه، عرض راهروها، مساحت کلاس، مساحت حیاط و فضاهای عمومی، منطبق بر آیین‌نامه‌های فضاهای آموزشی نیستند. سیاست دولت جدید در برابر مدارس غیردولتی روشن نیست؛ حسن روحانی در سخنرانی‌های انتخاباتی خود بارها طبقاتی‌شدن آموزش‌وپرورش را مورد انتقاد قرار داد. اما سرپرست وزارتخانه در پاسخ به سوال خبرنگار ایسنا، در باره افزایش چندبرابری شهریه مدارس غیرانتفاعی، می‌گوید: «در کشور مدارسی داریم که یا صددرصد دولتی است یا صددرصد غیردولتی... . می‌توانیم با برنامه‌ریزی و به جای اینکه پرداخت‌های صفر یا صدی داشته باشیم، این پرداخت‌ها را متعادل کرده و به ۷۰ در مقابل ۳۰ یا ۸۰ در مقابل ۲۰ متعادل کنیم.» در حالی که گرانی و تورم باعث شده که اکثر مردم تامین نیازهای اولیه مانند مواد غذایی را در اولویت قرار دهند، آموزش‌وپرورش برای تامین هزینه‌های خود، چشم به جیب‌های خالی شهروندان دوخته است.